روزنامه شرق

فرارسیدن عید سعید فطر را تبریک می گوییم

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۲۹ رمضان ۱۴۴۳ • ۱ مـی ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۷۰ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

گفتاری از احمد مسجدجامعی

خلیج فارس نقطه اتصال ایرانیان

اینکه همه ایرانی‌ها این مرز آبی را از آن خود می‌دانند، امری تاریخی و از مؤلفه‌های وحدت ملی ماست. بیشترین ساحل خلیج فارس از آن ایران است

صفحه ۱۲

موافقت رهبر انقلاب با عفو یا تخفیف مجازات تعدادی از محکومان

ایسنا: به مناسبت عید سعید فطر، رهبر معظم انقلاب اسلامی با عفو یا تخفیف مجازات هـزار و ۵۴۲ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان قضائی نیروهای مسلح موافقت کردند. حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، به مناسبت عید سعید فطر در نامه‌ای به رهبر انقلاب اسلامی پیشنهاد عفـو یا تخفیف و تبدیل مجازات این محکومـان را ارائه داد که این پیشـنهاد در اجرای بنـد ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسـی مورد موافقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت.

در «شرق» امروز می‌خوانید: مورد عجیب حمایت روس‌ها از جنگ پوتین، عبدالمحمد طاهری، مشاور سیاسی‌وزیر سابق امور خارجه افغانستان مطرح کرد: داعش، بازوی حذف طالبان و یادداشت‌هایی از علی ربیعی، سید علی مجتهدزاده، احسان هوشمند، ناصر ذاکری

سـرمـقـالـه

چگونه می‌اندیشیم؟

وسواس سیاسی؛ از پاکی به ناپاکی

کیومرث اشتریان

روان‌اندیشـی به معنای پیشی‌گرفتن روان بر اندیشه است. روان انسـان اختیار اندیشـه‌اش را در دسـت می‌گیرد، گویی «مغز از کار می‌افتد» و ویژگی‌های روانی مانند وسـواس، هراس، روان‌پریشـی، شـیدایی، افسردگی و... به جای ادراک و استدلال و تعقل می‌نشیند. ما در اینجا تنها به یکی از این ویژگی‌های روانی اشـاره می‌کنیم که گریبان‌گیر جامعه سیاسـی‌مان شـده و آن هم «وسواس سیاسی» است که سـودای پاکی دارد، اما سـر از توطئه و ناپاکی درمی‌آورد. پرسش مقدماتی این است که چرا برخی مجذوب و شیفته سخنرانان حرفه‌ای و سـخن‌بازان هتاکِ سیاسی می‌شوند؟ به‌ویژه آن دسته از سـخنرانانی که نگرش‌هایی از تئوری توطئه دارند. چگونه روانِ ما پدیده‌های سیاسی را «می‌نگرد»؟ «چشم دل»، «بصیرت» و «واکنَش شناختی روان» در پدیده‌های سیاسی در معرض چه خطراتی است؟

بیماری وسـواس می‌تواند نمادی در سیاست هم داشته باشد و «انسانِ وسواسیِ سیاسی» هم داشـته باشیم؛ اما وسواس سیاسی چیست، چگونه پدید می‌آید و تداوم می‌یابد؟ نخست باید بگوییم که تفاوت «شخص وسواسـی» با «شخص عادی» در داشتن و نداشتن دغدغه پاکی نیست، بلکه در «میزان» و «شدت دغدغه» و در میزان «هراس» از ناپاکی اسـت. فردی که دچار وسـواس سیاسی است، نگرانی و هراس بسـیار بیشتری دارد. شـخصیتش متزلزل و بسیار شکننده اسـت. فاقد اعتمادبه‌نفس لازم برای غلبه بر تردید است. نمی‌تواند به نتیجه برسد. نمی‌تواند اعتماد کند، ازاین‌روست که اصل را بر ناپاکی می‌گذارد. قطعیت و صلابتِ او در ناپاک‌انگاشتن دیگران نشانه شـخصیت محکم او نیست، بلکه نشانه نگرانی، تزلزل، عدم اعتمادبه‌نفس و ترس اسـت. وسواسـی سیاسی ترسو است، چون ترسوست، در بدبینی مداومت دارد. او در مخالفت صلابت دارد. در خصومت یا کینه‌ورزی شجاعت می‌ورزد. «شخص وسواسی» تمنای پاکی دارد و درسـت در همین موضع اسـت که ممکن است دچار انحراف و اعوجاج شـود. «وسواس سیاسـی» از هراسی غیرعادی آغاز می‌شـود. شخص وسواسی، از ترسِ آلودگی، همه‌چیز را ناپاک می‌پندارد و به زمین و زمان بدبین اسـت. جوانی که دچار وسواس سیاسی است معمولا پاک است و دغدغه پاکی دارد، در تمنای پاکیِ سیاسی متصلب اسـت؛ صادق و قوی است؛ اما از درون کم‌محتوا، بی‌بنیه، متزلزل و نگران است. می‌ترسد و می‌هراساند. تردید و ترس او را به نگرش توطئه می‌کشـاند. اساسـا، «بدبینی» به منظر و نگاه او تبدیل می‌شـود و به‌تدریج همه‌چیـز را از منظر توطئه می‌بیند و تئوری‌های توطئه برای او خوشـایند و دلپذیر است. او به توطئه باور دارد چون «بدبینی» جهان‌بینی و ایدئولوژی اوست. از همین رو است که سخنرانانی که تئوری‌های توطئه را سرلوحه گفتار خود می‌کنند، بـرای او حد اعلای «اقناع» را در پی دارنـد، چراکه همان بدبینی را دامن می‌زنند و «عطشِ وسواس» او را سیراب می‌کنند.

این بیماریِ سیاسـی سـوی دیگـری نیـز دارد. او نه‌تنها خود دچار نگرانی، ترس و تردید اسـت بلکه دیگـران را نیز دچار همان هراس و بدبینی می‌کند. بیماری‌اش مسـری اسـت. همچون کسی کـه گرفتار گرداب اسـت؛ هر آن‌کس که دسـت او را بگیرد، با خود فرومی‌بَـرَدش. با مداومت بر وسـواس و بدبینی سیاسـی، ضربات مداوم و خسـتگی‌ناپذیری بر روان جامعـه وارد می‌کند تا جایی که دیگـران را متزلزل و روان آنان را تسـخیر می‌کند. گویی روح و روان دیگران را می‌رباید. آری، «شخصِ وسواسیِ سیاسی» خستگی‌ناپذیر اسـت و با مشـقت به طهارت می‌پردازد، آن‌قدر که همه را مطیع وسواس خود می‌کند. با همین ابزار تردید و وسواس است که دیگران را تسخیر می‌کند. تسخیر سیاسیِ شخصیت‌ها و چهره‌های دولتی نیز به همین روش انجام می‌گیرد.

وسـواس دو روی دارد؛ یک روی تردیـد، ضعف و نگرانی و یک روی پرقـدرتِ اصرار، مداومت، کنترل و تأکید. در واقع تردید و اصرار تبدیل بـه بزرگ‌ترین ابزار برای مسـخ دیگران می‌شـود. آن‌قدر در ترس و تردید خود صادق هسـتند که دیگران را نیز به شک و شبهه می‌اندازند. تـرس و تردید به بزرگ‌ترین «ابزار تفوق» روحی و روانی تبدیل می‌شـوند. در واقع هدف بسیار سـاده و دم‌دستی است: قرار نیست کسی را از لحاظ فکری متقاعد کنید. فقط تخریب کنید. فریاد دزد و خائن سـربدهید و در فریاد خود صادق باشید. ضجه بکشید. صادقانه بر خود از درد بپیچید. اغلـب، باورتان خواهند کرد. واقعا هم درد می‌کشـند. درد اینان «درد نگرانی» اسـت که از هراس هم سنگین‌تر و ویرانگرتر است. «آیین وسواس» سلاحی خودساخته در برابـر «درد عمیق نگرانی» و تردید اسـت. این هراس با ضجه آغاز می‌شود و سپس با خصومت درمی‌آمیزد و به فریاد تبدیل می‌شود؛ فریادی که گاهی «حق‌جویانه» و «عدالت‌طلبانه» اسـت. این فریاد حق‌طلبانه مخاطب خود را پیـدا خواهد کرد: جوانان پاکی که تازه به دنیای سیاسـت وارد شـده‌اند؛ در پی ثبات روحی‌اند. در سیاست عجله دارند. در آتش شـوق دسـتیابی به یک فکر سیاسیِ باثبات و مبارزه برای آن می‌سوزند. درست در همین نقطه کارشان تمام است؛ به اولین سـخنران حرّاف، حرفه‌ای و تند کـه برمی‌خورند جذبش می‌شـوند. اگر هم شـعارهای دینی و مذهبی سر دهد که چه بهتر، چون این شـعارها در اسـاس خود پاک و زلال و فطری‌اند و کسـی با آنها مخالفت ندارد. محکم‌سخن‌گفتنِ یک سخنران ملاک اصلی آنان است. این استحکامِ سخن پاسخی به تزلزل درونی آنان است.

ادامه در صفحه ۴

آجرهایی که نان می‌شوند

یک روز با کارگران در دل کوره‌های آجرپزی به مناسبت ۱۱ اردیبهشت، روز کارگر

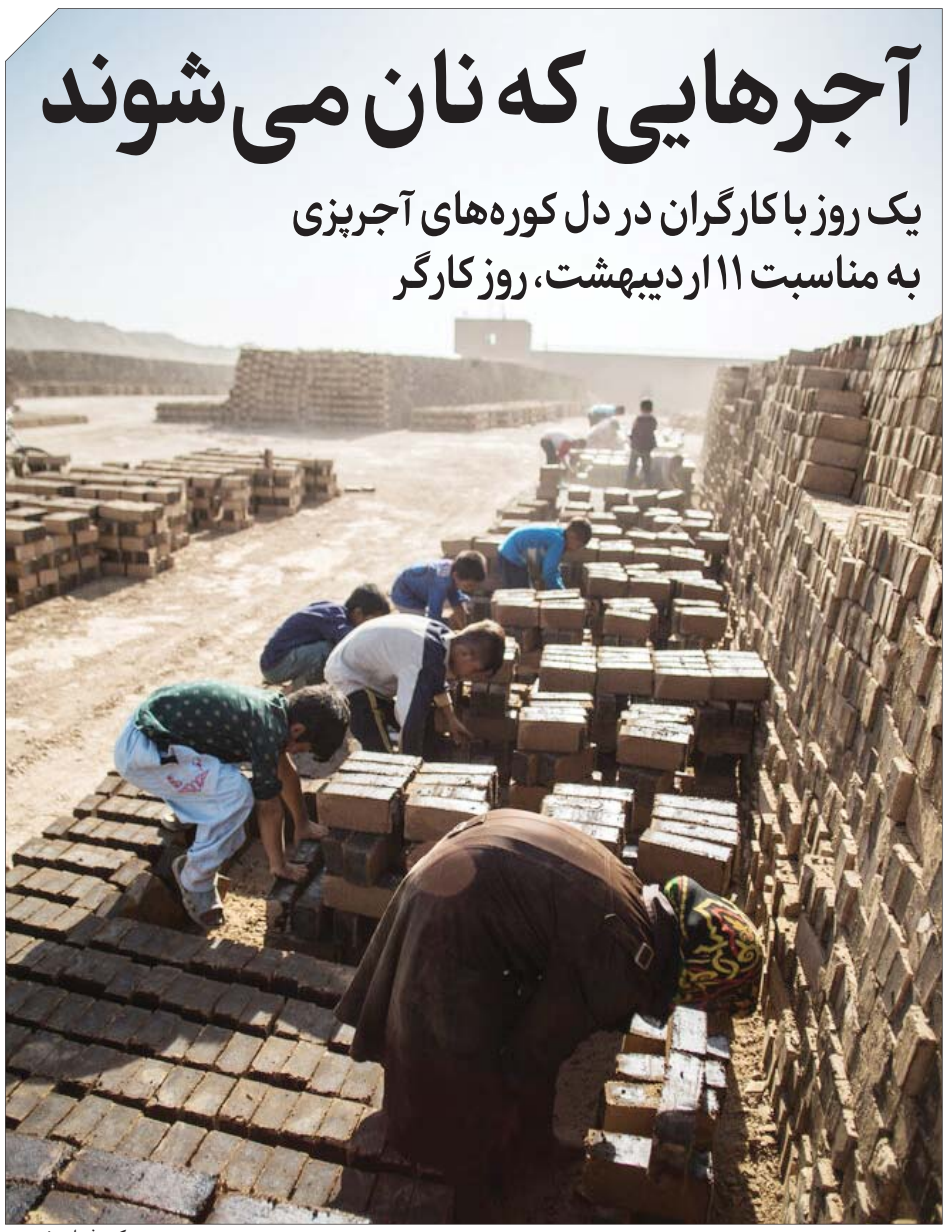

عکس: فرهاد صفری، مهر

تا چشـم بگردانی، بیابان است. گورستانی ناآشـنا از بقایای خانه‌های کارگران کوره‌های آجرپزی. فقط آنها که آشـنای راه هستند، می‌دانند در دل این قبرستان متروک، هنوز سـایه‌هایی هستند که در داغی آفتاب قد کشیده‌اند. از میان‌بر به خاکی می‌زنیم؛ جایی که توده‌ای از خاک و زباله انباشت شده و همسایه دیوار به دیوار کوره‌های آجرپزی بدقواره و توسری‌خورده است.

از قاب پنجره‌ها و درها تنها سوراخ‌هایی باقی مانده است که پیکر مچاله‌شده‌ای را به یادت می‌اندازد. از همان دور اندام‌های کوچکی هسـتند که در کنار بزرگ‌ترها نحیف‌تر به نظر می‌رسـند. مثل گلوله‌های سـیاه که توی هم وول می‌خورند. همه‌شان دور سروصورتشان پارچه‌ای پیچیده‌اند. به اطراف که نگاه کنی، اتاقک‌ها زیاد اسـت و گاهی نور به سـختی بر کف آنها هاشـور می‌زند و باد توی آنها زوزه می‌کشـد. بوی تند و زننده منطقه از چندده متر آن‌طرف‌تر به مشـام می‌رسـد و حشرات مختلف اسـتقبالی نه‌چندان خوشایند را برای میهمانان رقم می‌زنند. نزدیک‌تر که بشـوی، آن گلوله‌های سیاه، رنگی می‌شوند. اندام‌های کوچک، حالا تمثال یک مجسمه گِلی هستند که از صورتشـان دو چشـم درشت بیرون زده است. سروصورتشـان را چنان پوشانده‌اند که فقط آن دو چشـم با مژه‌های سفیدشده از گردوخاک، در گل و خاک دولاراست می‌شوند. کوره‌ها به ردیف کنار هم جا خوش کرده‌اند؛ آنجا که دست‌های طاهر مثل یک لاک‌پشت، پیر و زمخت شـده و زخم‌ها روی پوسـت سیاه و چغرش رد خون خشکی را طراحی کرده اسـت.کارگرهایی که حمایت قانونی کمی از آنها می‌شـود و اگر جزء اتباع خارجی باشـند، شـرایط سخت‌تر هم خواهد شـد. بااین‌حال، کارگرهایی هم هسـتند که از نگاه ما دور مانده‌اند؛ آدم‌هایی که در چندکیلومتری شهرها و جایی که هیچ تردیدی وجود ندارد، در کارگاه‌های آجرپزی کار می‌کنند و هر خانواده روزانه بین چهار تا پنج هزار خشت آجر می‌زند..

این گزارش را در صفحه ۸ بخوانید

بسیاری از کارگران زن ایران در کارگاه‌های زیرزمینی و مشاغل بدون دستمزد کار می‌کنند

زنانی بدون اثرانگشت

گزارش تیتر یک را در صفحه ۵ بخوانید

توضیحات شرکت ملی پالایش و پخش درباره یک گزارش

۵

نامه‌ای از دل دولت خطاب به رهبر انقلاب و در انتقاد از دولت سیزدهم ارسال شد

چالش در اتاق دولت

۲

پنهان کاری در فدراسیون فوتبال

نامه‌ای خطرناک در راه است؟

نوشـتن از اوضـاع پیچیـده فوتبال ایـران امری تکراری شـده ولی اصرار بـر رفتارهـای عجیب‌وغریب از یک‌سـو و تهدیدات بیرونی از سـوی دیگر، می‌تواند به آشـوب‌های موجود بیفزاید. اعضـای هیئت‌رئیسـه فدراسـیون فوتبـال ایران، طبـق ادعای داریـوش مصطفـوی، با تحریـک بیـرون رأی به عـزل موقت شـهاب عزیزی‌خادم، رئیس فدراسـیون فوتبال داده و خودشان، قدرت را در این سـاختار به دسـت آوردند. بعد از آن مقرر شـد که اعضای مجمع فدراسـیون فوتبال، بازگشـت یـا عزل دائمی رئیس فدراسـیون را به شـور بگذارند و درباره‌اش تصمیم‌گیری کننـد. تاریخـی که بـرای برگزاری مجمـع درنظر گرفته شـده ۱۰ خرداد اسـت ولی اتفاقات عجیبی در حال رخ‌دادن اسـت که شاید مجمع را هم بی‌اثر کند. این یکی مربوط به روشدن اسنادی است که از آن به عنوان تخلفات مالی فدراسیون عزیزی‌خادم یاد می‌شـود ولی نزدیکان رئیس عزل‌شده فدراسیون می‌گویند هیچ کار غیرقانونی‌ای صورت نگرفته و همگی مصوبه هیئت‌رئیسـه را داشـته اسـت. مخالفان رئیس اما می‌گوینـد او باید به کمیته اخلاق فدراسـیون فوتبال برود و پاسخ‌گو باشد. کمیته اخلاق هم عزیزی‌خـادم را فراخوانده ولی او نرفته اسـت. مخالفانش دلیل نرفتـن رئیس معزول را دهن‌کجی به قانـون می‌دانند ولی حالا مشـخص شـده که بندی قانونی مانع از حضور عزیزی‌خادم در کمیته اخلاق می‌شود.

این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید

روایت احمد غلامی از مکان‌ها و آدم‌ها

این روایت؛ امیرحسن چهل‌تن

اسم رمز آدم‌فروش‌ها

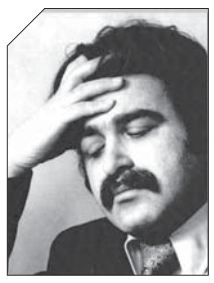

۱۱

یادداشت روزنامه‌نگاران

هزینه ـ فایده حصر

محمد مهاجری

هفته پیش خبری آمد که بخشی از موانع نصب‌شده در کوچه اختر (محل زندگی مهندس میرحسین موسوی) برداشته شده است. برخی رسـانه‌ها از آن به رفع حصر تعبیر کردند؛ هرچند گفته شـد پاره‌ای از کنترل‌ها ادامه خواهد داشت.

۱- داستان حصر به یک زخم کهنه تبدیل شده و تصمیمی که گرفته شده، هرچند محدود است، می‌تواند مقدمه رفع موانع بیشتر باشد.

۲- حصر حدود ۱۲ سـال است که ادامه دارد و به دنبال انتخابات ریاست‌جمهوری دهم در سـال ۱۳۸۸ صورت گرفت. این انتخابات از پرحاشیه‌ترین رخدادهای تاریخ پس از انقلاب است. انتخابات سال ۸۸ در فضایی به‌شدت ملتهب برگزار شد. درحالی‌که محمود احمدی‌نژاد به‌عنـوان رئیس‌جمهور مسـتقر، یکی از نامزدهـای اصلی انتخابات بـود و بخش مهمی از اصولگرایان و اقشـار غیرحزبـی جامعه از او پشتیبانی کردند، میرحسین موسوی به‌عنوان رقیب پرقدرت در برابر او ظاهر شد. موسوی برای بسیاری از شهروندان، یک نوستالژی از دوران جنگ تحمیلی بود. برخی شـعارهای عدالت‌خواهانه احمدی‌نژاد را او در عمل اجرا کرده بود؛ به‌علاوه نخسـت‌وزیری‌اش در شرایط بسیار سخت دفاع مقدس ازجمله موشک‌باران شهرها و بمباران شیمیایی و تنگناهای اقتصادی فراوان بود. این سابقه موسوی برای احمدی‌نژاد و طرفدارانش خطری بالقوه محسـوب می‌شد و شاید به همین دلیل رئیس‌جمهور مسـتقر تلاش کرد تخریب او را در بالاترین سطح انجام دهد.

۳- فضای انتخابات از سوی طرفداران دو نامزد اصلی (احمدی‌نژاد و موسوی) رادیکال شد. مناظره‌ها نیز کار را خراب‌تر کرد. بخش درخور توجهـی از نیروهای اصولگرا، رفتار احمدی‌نـژاد را برنمی‌تابیدند؛ اما با این تصور که نقد او به سـود طرف مقابل تمام خواهد شـد، نه‌تنها سکوت کردند، بلکه به جریان حامی میرحسین موسوی نیز تاختند.

۴- احمدی‌نژاد به همه تاریخ ۳۱ سال پیش از خود (از بهمن ۵۷ تا خرداد ۱۳۸۸) تاخت و همه پیشینیان را زیر سؤال برد. اتهام فساد مالی و سیاسـی را به همه آنها وارد کرد. میرحسین موسوی نیز چون رقیب او بود، عملا مجبور شـد از گذشته‌ها دفاع کند؛ گذشته‌ای که خودش منتقد برخی از آن بود و در سال‌های پس از نخست‌وزیری‌اش به‌عنوان عضو شـورای عالی انقلاب فرهنگی، چند بار در سـخنرانی‌ها به آنها تاخته بود.

ادامه در صفحه ۴

خبر

رهبر معظم انقلاب درگذشت نادر طالب‌زاده را تسلیت گفتند

ایرنا: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درگذشـت پژوهشـگر و هنرمند انقلابی، نادر طالب‌زاده را تسلیت گفتند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است: بسم‌الله الرحمن الرحیم، با تأسف خبر درگذشت پژوهشگر و هنرمند انقلابی و پرتلاش و پرانگیزه نادر طالب‌زاده رحمة‌الله علیه را دریافت کردم.

به خانواده و بازماندگان و همکاران و دوستان ایشان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال رحمت و مغفرت و پاداش نیک برای خدمات باارزش فرهنگی و رسـانه‌ای ایشـان مسـألت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای، ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

عارف با انتقاد از وضعیت کارگران و معلمان

مصالح ملی باید کانون سیاست‌ورزی باشد

رئیس بنیاد امید ایرانیان در یادداشـتی تأکید کرد راه عبور از مشکلات از مسیر گفت‌وگوی ملی در سطوح مختلف می‌گذرد. در بخش‌هایی از یادداشـت محمدرضا عـارف می‌خوانیم: در حالی به اسـتقبال روز معلم و روز کارگر می‌رویم که معلمان و کارگران عزیز کشورمان، با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ مشکلاتی که در نتیجه ضعف مدیریت است. در دهه پنجم از نظام و سـاختاری برآمده از انقلاب شکوهمند اسلامی که در آن معلمان و کارگران نقشی بنیادین داشتند، قرار داریم. اکثر تحلیلگران، پیروزی این انقلاب را مرهون پیوسـتن دو قشر کارگر و معلم می‌دانند، اما اکنون وضعیت زندگی و معیشـت آنها با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. باید به این پرسش مهم پاسـخ داد که طی تقریبا دو دهه گذشـته، چه سیاسـت‌هایی اعمال شده است که کارگران و معلمان به‌عنوان دو بازوی قوی انقلاب اسلامی، در این وضعیت قرار گرفته‌اند؟ باید پرسید چه اصراری بر اسـتمرار بیراهه رویه‌های خسارت‌بار است؟ چرا به هشـدار و انذارهای نخبگان جامعه و دانشـگاهیان در سطوح مختلف بی‌توجهی می‌شود؟

مصلحت امروز ملت، کشور و نظام ما، در یک راستا و آن هم اتحاد و اجماع بر پیشرفت کشور و رهایی از مصائب، مشکلات و بحران‌های محتمل است. بدیهی است که وصول به این مهم، نیازمند مشـارکت همه ایرانیان و بهره‌گیری از اصول حکمرانی خوب و دسـتاوردهای بشری است. ضمن تبریک روزهای کارگر و معلم به این دو قشـر پیشتاز در مسیر پیشرفت و اعتلای ایران عزیز و گرامیداشـت یاد و خاطره شـهید بزرگوار استاد مرتضی مطهری، از مسـئولان می‌خواهم از ملـت عذرخواهی کرده و مسیر درسـت در پیش بگیرند. امیدوارم نظام تدبیر ما، به درک درستی از اوضاع دست یابد که مقدمه درمان، تشخیص درست درد و مبانی شـکل‌گیری درد اسـت. چه‌بسـا تجویزهای نادرسـت در پیشـروی مشـکلات و ازدسـت‌رفتن فرصت طلایی درمان، سـهمی اساسـی دارند. همچنان معتقـدم راه عبور از مشکلات از مسـیر گفت‌وگوی ملی در سطوح مختلف می‌گذرد. امیدوارم با برافروختن شـمع گفت‌وگـو در محفل بزرگ ملت-کشـور بزرگ ایران، مصالح ملی به‌عنوان کانون سیاست‌ورزی و خط‌مشی همگان قرار گیرد.

معلم عزیزم

خانم عسگری

یاد تو همیشه در ذهنم، عشق تو همیشه در قلبم

و مهربانیت همیشه در زندگی ام جاریست

روزت مبارک

با تشکر از مدیریت و پرسنل زحمت کش اکسیر دانش پارس

از طرف امیر علی اثنی عشری